

بررسی الزامات سیاستگذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران با

تأکید بر عصر جهانی شدن

حدیث باقری نیا^۱ عباس کشاورز شکری^۲ علی مرشدی زاد^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۳

چکیده:

سیاستگذاری در حوزه‌های اجتماعی نمایانگر عقلانیت و تلاش برای هدایت و رهبری جامعه و سازمان‌دهی اوضاع اجتماعی با مرجعیت بزرگ قدرت حاکم است. لذا یکی از حوزه‌های مهم سیاستگذاری، تنوعات قومی است. در این راستا قومیت‌ها که یکی از حوزه‌های مهم اثرپذیر از فرآیند جهانی شدن است که جمهوری اسلامی ایران را با مسائل جدی و متعددی مواجه ساخته است. هدف نوشتار حاضر ارائه الزامات مطلوب در سیاستگذاری قومی با تأکید بر عصر جهانی شدن است. در این راستا، پژوهش پیش‌رو درصدد پاسخ به این پرسش است «الزامات و بایسته‌هایی سیاستگذاری قومی را در جمهوری اسلامی ایران با توجه به عصر جهانی شدن کدامند؟» در پژوهش پیش‌رو از روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته و شیوه گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای بوده است. فرضیه پژوهش براین است که جمهوری اسلامی می‌تواند با در پیش گرفتن الگوی تکثرگرای وحدت‌گرا برپایه ایرانی-اسلامیت به عنوان مؤلفه اصلی توسعه‌ی همه‌جانبه و متوازن، به مثابه مدل مناسبی برای سیاست‌های قومی در ایران توجه داشته باشد. نتایج به دست آمده حاکی از این است که عناصری همچون؛ به کارگیری نخبگان قومی در مشاغل و مناصب بومی، تثبیت الگوی شهروندی به عنوان مبنای سیاست، تکثرگرایی فرهنگی، راه‌حل‌های اقتصادی به عنوان الزامات و بایسته‌های سیاستگذاری قومی در ایران با توجه به مسئله جهانی شدن نام برد.

واژگان اصلی:

الزامات، سیاستگذاری، قومیت، جمهوری اسلامی، جهانی شدن.^۴

-
۱. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد، تهران، ایران. hadis.bagherinia@shahed.ac.ir
 ۲. استاد علوم سیاسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول) keshavarz@shahed.ac.ir
 ۳. دانشیار دانشگاه شاهد، تهران، ایران morshedizad@shahed.ac.ir
 ۴. این مقاله برگرفته از رساله دکتری در دانشگاه شاهد با عنوان الزامات سیاستگذاری قومی و مدل مطلوب آن در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر عصر جهانی شدن می باشد.

۱- مقدمه

ایران کشوری چند قومی است و این امر باعث شده توجه به مسائل قومی همواره یکی از دغدغه‌های سیاست‌گذاران و مسئولان امر باشد. توجه به مسئله قوم و قومیت در چارچوب‌های مختلف می‌تواند مدنظر قرار گیرد، عده‌ای از صاحب‌نظران به تنوع قومی به مثابه یک تهدید می‌نگرند به تعدادی آن را فرصت می‌دانند، از این رو واگرایی و همگرایی اقوام از دل این دیدگاه‌ها نمود پیدا می‌کند، اما فارغ از این که با چه دیدگاهی به تنوع قومیت‌ها نگریسته شود، موضوع قومیت به عنوان یک مؤلفه اجتماعی باید مدنظر قرار گیرد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۸). بحث از اقوام و به دنبال آن سیاست‌گذاری و مدیریت سیاسی جوامع چند قومی، از موضوعات حساسی به شمار می‌آید که ارتباط نزدیکی با منافع ملی و حیات سیاسی کشورها دارد بر این اساس، کسب، تقویت و تثبیت منافع ملی در راستای آن وحدت ملی و همبستگی داخلی از اهداف استراتژیک کشورها در جوامع چند قومی به حساب بیاید (مقصودی و دربندی، ۱۳۹۱: ۲۵). از منظر جامعه‌شناسی تاریخی، فعال شدن هویت‌خواهی قومی در ایران متأثر از عامل ساختار و ایدئولوژی دولت، نخبگان سیاسی و نیروهای بین‌المللی است (احمدی، ۱۳۷۸: ۵۲). از طرفی جهانی‌شدن را فرآیندی طبیعی است که در عین ایجاد فضای رقابتی در همه‌ی ابعاد، فرصت‌های تا حدی برابر برای همه‌ی کنشگران، اعم از خرد و کلان در سطوح مختلف محلی، ملی و بین‌المللی فراهم می‌کند.

الگوی تکثرگرایی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی توسعه‌ی همه‌جانبه و متوازن، کاربردی-ترین الگو برای همگرایی و انسجام اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی در ایران به حساب می‌آید. از آنجایی که این الگو، ظرفیت هم راستا کردن مؤلفه‌های اساسی شکل‌دهنده‌ی جامعه‌ی مدنی و توسعه‌ی همه‌جانبه را دارد، می‌تواند در حوزه‌ی سیاست‌گذاری، مسائل قومی ایران را به خوبی تحلیل و تبیین نماید (پور قوشچی و نادری، ۱۳۹۳: ۶۱). از این منظر هدف تحقیق حاضر، پاسخ به این سوال است که «الزامات سیاست‌گذاری قومی را در جمهوری اسلامی ایران با توجه به عصر جهانی‌شدن کدامند؟» در پژوهش پیش‌رونده از روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته و شیوه گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای بوده است.

۱. پیشینه پژوهش

نویسندگان	اهداف و یا سئوالات اصلی	روش تحقیق	یافته ها
صفوی پناه و همکاران (۱۳۹۸)	تحلیل و بررسی تحولات مفهومی ادبیات قومیت در گفتمان مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران.	توصیفی-تحلیلی	در ادبیات سیاسی ایران بعد از انقلاب اسلامی قومیت‌گرایی نژادی و جغرافیایی جای خود را به امت‌گرایی اسلامی - ایرانی داده است
مقصودی و دربندی (۱۳۹۱)	ارائه‌ی سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی در قبال کردها در دولت اصلاحات	روش توصیفی - تحلیلی	سیاست‌های قومی جمهوری اسلام دوره ۸ساله اصلاحات را در قبال کردها و تأثیر این سیاست‌ها بر مشارکت سیاسی کردها، مورد بررسی قرار دهد.
قربان‌پور و همکاران (۱۴۰۰)	ارایه الگوی مطلوب سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران	توصیفی از نوع پیمایشی	تکثرگرایی ایرانی-اسلامی به عنوان الگوی مطلوب سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران معرفی شد.
سیدامامی و هوشنگی (۱۳۹۵)	اقدام به طراحی سیاست برای مدیریت تنوع قومی کرده	روش اسنادی	پیشنهاد سیاست‌هایی را برای بهره‌گیری از فرصت تنوع، به حداقل رساندن

زمینه‌ها و بسترهای بروز بحران‌ها و منازعات قوم پایه و تقویت هویت و همبستگی ملی			
که تمامی مؤلفه‌ها بر همگرایی اقوام ایرانی مؤثرند. همچنین مؤلفه سیاسی و امنیتی بیشترین تأثیر را در همگرایی اقوام ایرانی دارد.	روش کمی - پیمایشی	در حوزه قومیت‌ها، همچون سایر حوزه‌ها، روند جهانی شدن می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر جای بگذارد	دشتی و عیوضی (۱۳۹۷)
دولت هویت ملی و هویت را تقویت کرده است	روش پیمایشی	تأثیر جهانی شدن بر هویت قومی کردهای سنندج	خلیلی اردکانی و همکاران (۱۳۹۵)
در چارچوب مثلث دولت، ملت و قومیت، الگوی شهروندی به عنوان الگوی مطلوب سیاست قومی پیشنهاد شده است.	روش ارزیابی انتقادی و استفاده از تکنیک پژوهشی مطالعه اسنادی	بررسی سیاست‌های قومی و ارزیابی آن‌ها به یک مدل نظری و سیاست قومی مطلوب	المیری (۱۳۹۹)

۲. تعارف مفاهیم

جهانی شدن: جهانی شدن فرایندی است که در پی برخی تحولات جهانی و پیشرفت‌های علمی و فنی در حوزه ارتباطات و رسانه‌ها و تسهیل و تشدید روابط و تعاملات بین ملت‌ها در زمینه‌های گوناگون ظهور و بروز پیدا کرده است. این جریان به صورت فراگیر در ابعاد اجتماعی، اقتصادی،

سیاسی و فرهنگی جوامع بشری را درگیر مسائل مشترک و فراگیر و چالش‌های گوناگون کرده و انسان را با دنیای دگرگون‌شونده، سیال، گیج‌کننده، نفوذپذیر و غیر متعین و ناآشنا و فاقد حد و مرز کنترل‌نشده، و پیچیده مواجه ساخته است از مهم‌ترین تأثیرات جهانی شدن، تاثیر بر وضعیت فرهنگ‌ها و ادیان است. جهانی شدن برای جامعه اسلامی یکی از دغدغه‌های مهم و چالش‌برانگیز به شمار می‌رود (ساداتی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۷۲). در واقع جهانی شدن به فرآیندی اطلاق می‌شود که طی آن جریان آزاد اندیشه، انسان، کالا، خدمات، و سرمایه در دنیا میسر و محقق گردد (فرهادی محلی، ۱۳۹۰: ۲). تاثیر جهانی شدن بر مسئله قومیت‌ها به‌عنوان یکی از وجوه مهم حیات بشر امروز از موضوعات موارد توجه دولت‌ها قرار گرفته است (شهرام نیا، ۱۳۹۲: ۵۲).

قومیت

قومیت اجتماع کوچکی از انسان‌ها در درون جامعه‌ای بزرگ‌تر است که به صورت واقعی یا احساس و ادراکی دارای اصل و نسب مشترک است. همچنین دارای یک یا چندین عنصر سمبلیک نظیر خویشاوندی، مذهب، زبان، سرزمین و خصوصیات ظاهری و فیزیکی مشترک باشد که هویت گروهی آنان را از گروه‌های دیگر متمایز می‌سازد و اعضا آن به تعلقات گروهی قومی خویش آگاهی دارند (مقصودی، ۱۳۸۰، ۲۱). مفهوم قومیت، مفهوم ساده و بی‌مناقشه‌ای نیست و غالباً وجه تمایز آن از ملیت به لحاظ جامعه‌شناختی چندان روشن نیست. قومیت نوعی دیدگاه درونی است که اهمیتش برای فرد در زمان برقراری تعامل با دیگران آشکار می‌شود. در مواردی که فرد احساس می‌کند قومیت او در یک موقعیت اجتماعی کارساز است و منافی را برای او تسهیل می‌کند، هویت قومی خود را آشکار می‌کند و در جایی که آن را مانعی در راه منافع خود بداند آن را نهفته می‌گذارد. جامعه‌شناسان حتی گاه در چنین مضامینی از مفهوم قومیت نمادین سخن می‌گویند. (عبداله، ۱۳۹۵: ۴۳).

۲. چهارچوب نظری

۲-۱. سیاستگذاری قومی

اساساً، سیاست قومی را می‌توان طراحی ساز و کارهای اتخاذ تدابیر مناسب، به منظور تنظیم روابط میان اقوام با دولت، و تبیین حقوق و تکالیف متقابل هر یک از آن‌ها، و همچنین بیان روشهای اجرایی

نیل به آن‌ها، به منظور حفظ وحدت و همبستگی ملی، تعریف کرد که در این میان این مقولات همزمان با مراعات و اعطای حقوق به اقوام و اقلیت‌ها است. سیاست‌های قومی فعال و جامع، باید نسبت به حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حساس بوده و در عین حال نسبت خود را با آن‌ها تعیین و تبیین کنند. همچنین این را نیز باید در نظر گرفت که، موضوع سیاست‌های قومی، تنظیم مناسبات اجتماع ملی و اجتماع قومی است. سرشت دولت و ترکیب جمعیتی هر کشور، مهمترین عنصر تعیین‌کننده این سیاست‌ها، در هر نظام سیاسی محسوب می‌شود (مؤسسه مطالعات ملی، ۱۳۸۰، ۹-۱۰).

از جمله اصلی‌ترین اقدام‌ها در سیاست‌گذاری قومی، تدوین و اجرای سیاست‌هایی است که بتوان از طریق آن‌ها هم تعاملات مناسبی را میان اقوام ایجاد کرد و هم روابط درستی بین اقوام مختلف به وجود آورد و از سوی دیگر میان اقوام و حکومت نیز روابطی سالم و مبتنی بر درک متقابل برقرار کرد. کشورهایی که دارای اقوام متنوع و مختلف هستند باید در اتخاذ تصمیم‌ها و برنامه‌ریزی‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، با در پیش گرفتن سیاست‌های مخصوص، مربوط به گروه‌های قومی و با احترام گذاردن به کثرت آن‌ها، برای ایجاد همگرایی، یکپارچگی و حفظ تمامیت سرزمینی جامعه قدم بردارند. این موضوع به توجه مدیریت سیاسی جامعه‌ها در سیاست‌گذاری‌ها و همچنین برنامه‌ریزی‌های اقتصادی-اجتماعی برای به رسمیت شناختن موجودیت گروه‌های قومی نیاز دارد. به واقع یکی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر گروه‌ها و دستجات قومی در هر کشور، رویکرد، شیوه و روش‌های حکومت‌ها در تنظیم تعاملات و مناسبات مختلف خود، در ابعاد گوناگون، با اقوام و مدیریت سیاست‌ها و روش‌هایی است که بر این تعاملات حاکم بوده است. به واقع سیاست‌های قومی نحوه مواجهه یا برخورد و یا نوع تعامل دولت‌ها و حکومت‌ها را با گروه‌های قومی و فرهنگی درون قلمرو سیاسی و جغرافیایی (سرزمینی) را مشخص می‌کند (حسابی، ۱۳۹۶، ۳۷۴).

در صورت‌بندی مفهومی سیاست‌گذاری قومی باید گفت که شناخت و مطالعه سیاست‌گذاری قومی از مجرای بررسی همه‌سازوکارها، ابزارها و روش‌هایی ممکن و میسر است که دولت‌ها برای نیل به اهداف خود، به شکل اعلام شده یا غیراعلامی به کار می‌بندند. این سازوکارها ممکن است حقوقی و در لباس قوانین و مقررات باشند یا رویکردهای سیاسی که در قالب اعمال روش‌های

خاص مدیریتی، نهادسازی، ایجاد فرصت‌ها یا سلب امکان مشارکت برای گروه‌های قومی و مذهبی تجلی می‌یابند. یکی از مهم‌ترین بسترهای شکل‌گیری سیاست‌های قومی عرصه فرهنگ است که به خوبی می‌تواند در آنجا بروز و ظهور پیدا کند. البته در حوزه‌های دیگری چون اقتصاد، سیاست یا اجتماعات، نیز سیاست‌های قومی تداوم می‌یابد و در این میان، شکل اعمال این سیاست‌ها می‌تواند به صورت رسمی یا غیررسمی، علنی یا غیرعلنی، سخت‌افزاری یا نرم‌افزاری و یک‌بعدی یا چندبعدی باشد (حقی‌پناه، ۱۳۹۴، ۷۰).

ایران در طول تاریخ کشوری با ملتی متنوع از فرهنگ‌ها، مذهب و زبان‌های مختلف بوده است و بسیاری از خاورشناسان، ایران را خاستگاه تنوع و چندگونگی دانسته‌اند. اما ویژگی‌های فرهیخته‌سازی و انطباق‌پذیری به عنوان دو عنصر مهم منش ملی ایرانیان به آنان این امکان را داده است که بتوانند فرهنگ‌های مهاجر و مهاجم به این سرزمین را هضم نموده و آن را به اقتضای شرایط و متناسب با فرهنگ خود در آورده و به آن رنگ و بو و ماهیتی ایرانی ببخشند (عباسی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۶). از همین روست که نظام فرهنگی و ساختار اجتماعی کشور در عین وحدت و یگانگی و برخورداری از پیوندی ارگانیک در قالب یک اجتماع فراگیر و پایدار توانسته است تکثر و تنوع درونی خود را حفظ نموده و در طول قرن‌ها با پویایی و بالندگی استمرار یابد. حضور گروه‌های قومی مختلف، که همه در زیر چتر عظیم فرهنگ و هویت ملی ایرانی، به صورتی مسالمت‌جویانه زندگی می‌کنند، مؤید وحدت کثرت‌گونه اجتماع ملی سرزمین ایران است (هوشنگی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۵).

۲-۲. الگوهای سیاست‌گذاری قومی

با تأمل در سیاست‌های موجود می‌توان سه الگوی مبنا را از میان انواع الگوهای رایج در سطح جهانی برای حل مسئله قومیت‌ها استخراج نمود:

اول، سیاست «هماندسازی»، که به دو صورت فرهنگی و ساختاری اعمال شده است و نقطه مقابل سیاست تکثرگرایانه است. دو شاخه اصلی سیاست «تکثرگرایانه» در حقیقت به عنوان موارد دوم و سوم از الگوهای سیاست قومی مطرح هستند که عبارتند از:

دوم، «کثرتگرایی مساوات‌طلبانه» که در آن گروه‌های قومی بسان گروه‌های ذی‌نفع در آمده و در سیاست کشور نقش ایفا می‌کنند.

سوم «کثرت‌گرایی غیر مساوات‌طلبانه» که اشکال متنوعی از قبیل استعمار داخلی و امحای قومیت‌ها را در بر می‌گیرد.

هماندسازی، فرایند تقلیل خط تمایز است و زمانی رخ می‌نماید که اعضای دو یا چند جامعه، گروه نژادی یا گروه اجتماعی کوچک با یکدیگر همسان می‌شوند. بنابراین همانندسازی را می‌توان بسان غرض و یا ایده‌آلی منسجم‌ساز بر شمرد که جوامع چندقومیتی به سوی آن حرکت می‌کنند و سیاست‌های دولت و ایدئولوژی‌ها بر اساس آن شکل می‌گیرند. هدف سیاست‌های همانندسازی عبارت است از: ترکیب زیست‌شناختی، فرهنگی، اجتماعی و روانی گروه‌های متمایز و منفرد به منظور ایجاد یک جامعه بدون تفاوت‌های قومی. (برزگر و همکاران، ۱۳۹۸، ۴۳۶-۴۳۷)

۱-۲-۲. همانندسازی

چنانکه از نام آن پیداست، سیاست‌های همانندساز، به دنبال یکی کرد و ایجاد مشابهت‌های قومی و از بین بردن تمایزات است. همانندسازی، به معنای مشابه^۱ است و واژه همانندسازی از ریشه لاتینی ساختن یا مشابه شدن اخذ شده که در فارسی معادل‌هایی مانند تطبیق، همسانی، یکی‌سازی و همانندسازی پیدا کرده است. این مفهوم، ابتدا در علوم طبیعی و به معنای جذب و هضم مواد در بدن معنا شد و به کار رفت، اما بعدها در جامعه‌شناسی به معنای فرایند پذیرش ارزش‌ها، الگوها و سبک زندگی گروه برتر توسط اقوام و گروه‌هایی از جامعه به ترتیبی که در بطن گروه برتر جذب و هضم شوند به کار برده شد (ساروخانی، ۱۳۷۰، ۴۴)

۲-۲-۲. الگوهای کثرت‌گرا

در مقابل الگوهای همانندساز، الگوهای تکثرت‌گرا قرار دارند که مهم‌ترین ویژگی آن‌ها، پذیرش تنوع و تکثر قومی در یک جامعه است. این پذیرش تنوع، منجر به این مسئله می‌شود که در جوامع مختلف، تنوعات قومی در سیاست‌گذارهای کلان راه پیدا کند و محور و مبنا قرار گیرد. بر این محور و مبنا، این دولت‌ها و جوامع هستند که می‌پذیرند تکثر امری طبیعی و مربوط به جامعه است و نباید از آن گریخت یا چشم پوشید. بنابراین، گونه‌های مختلفی از سیاست‌گذاری‌ها، مبتنی بر کثرت در

۱. Assimilation

امور قومی و نیز اقلیت‌ها، مورد نظر و توجه دولت‌ها، در سیاست‌گذاری‌های قومی قرار می‌گیرد.

۳. جهانی شدن و مواضع اقوام نسبت به دولت‌ها

در عصر جهانی شدن تغییراتی در نظام بین‌الملل به وجود آمده که زمینه را برای بهره‌برداری گروه‌های قومی فراهم کرده است. فروپاشی نظام دوقطبی و اهمیت یافتن رژیم‌های بین‌المللی در این بین مهم‌ترینند (جنیدی و کوثری، ۱۳۹۲: ۲۹). یکی از جنبه‌های متأثر از جهانی شدن، قومیت و به طور واضح گروه‌های قومی است. در واقع مفهوم قومیت و تعاریف آن متأثر از تشدید تنش‌های قومی به ویژه از اواسط قرن بیستم اهمیت زیادی یافته است و روز به روز شاهد افزایش برجسته‌تر شدن این چالش‌ها و درگیری‌های قومی هستیم. درگیری‌های قومی از یک سو نوعی واکنش به وضع تحمیل شده به اقوام از سوی حکومت‌ها و قدرت‌های دیگر است و از سوی دیگر متأثر از آگاهی نخبگان قومی در زمینه تغییرات به وجود آمده در جهان مدرنیزه شده امروزی و به ویژه پس از ظهور پدیده جهانی شدن به عنوان عاملی تأثیرگذار است. در واقع با شروع پدیده جهانی شدن و تضعیف قدرت دولت ملی و در نوردیده شدن مرزهای ملی به واسطه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی که به افزایش آگاهی قومیتی در زمینه حفظ ارزش‌های فرهنگی خود در قبال هر عامل تهدیدکننده منجر شد، در این میان گروه‌های قومی موجود در کنار رد سیاست‌های ملی‌گرایانه دولتهای خود، در قبال فرهنگ عام جهانی شدن دست به واکنش می‌زنند. امروزه، قوم‌گرایی افراطی، منبع اولیه‌ی درگیری‌های مسلحانه‌ی خشونت بار در بخش‌هایی از جهان شده و فرسایش قدرت دولت - ملت‌ها را به دنبال داشته است. بنابراین می‌توان گفت، در حال حاضر موضوع قومیت و مسائل مرتبط با آن به یکی از چالش برانگیزترین مفاهیم در این حوزه تبدیل شده است (ایروانلو و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۳).

جهانی شدن و رشد و توسعه روزافزون فناوری اطلاعات موجب بسط و گسترش مبادلات و آگاهی‌های قومی و فرهنگی شده است. همگرایی و چندپارگی، از خصوصیات متناقض و پیچیده جهانی شدن، از یک طرف؛ به صورت همگرایی خصوصاً در سطح بین‌الملل و میان دولت‌ها عمل می‌کنند و از دیگر سو، جوامع چندملیتی و چندقومی را با واگرایی مواجه می‌کنند. گروه‌های قومی با استفاده از امکانات جدید دولت را مجبور به پذیرش تکثر فرهنگی می‌کنند تا آن‌ها را در بازسازی و

بازتعریف ملیت و هویت شریک کنند(احمدی، ۱۳۸۱: ۱۴).

جهانی شدن موجب ناتوانی پاسخگویی دولت‌ها به شمار کثیری از هویت‌ها و سایر خواسته‌های معرفی شده است و از آن جایی که دولت‌های جهان سوم به دلیل نبود تنوع ساختارها و نهادها، آمادگی لازم برای پذیرش دگرگفت‌مان‌های قومی را ندارند، به شدت با بحران مشروعیت مواجه می‌شوند و هزینه‌های زیادی را برای تمرکززدایی می‌پردازند (جنیدی و کوثری، ۱۳۹۲: ۳۱).

به نظر می‌رسد که ایران از لحاظ قومی در منطقه در موقعیت مناسبی نیست. بیرون از مرزهای ایران ملیت‌ها دارای قرابت‌ها و یکسانی فرهنگی با قومیت‌های درون مرزی ایران هستند. آذری‌ها، کردها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، و عرب‌زبان‌ها از جمله این قومیت‌ها هستند. حمایت‌های خارجی از حقوق فرهنگی و سیاسی قومیت‌های ایرانی نیز می‌تواند در این امر تأثیرگذار باشد. تغییر و تحولات ژئواستراتژیک منطقه‌ای در سال‌های اخیر بی‌شک تبعاتی نیز برای ایران خواهد داشت

۴. الزامات و بایسته‌های سیاستگذاری قومی جمهوری اسلامی

قومیت‌های ایران به دلیل داشتن اشتراکات فرهنگی، تاریخی، مذهبی و غیره با اقوام سایر کشورها تفاوت ماهوی داشته و کمتر مستعد خیزش‌های اساسی‌اند و تحقیقات و تجربیات نشان داده که جامعه قومی ایران، جامعه‌ای نسبتاً آرام و کمتر به دنبال تنش با دولت مرکزی است، اما باید به این نکته مهم توجه کرد که از یکسو؛ ایران از لحاظ قومی در منطقه در موقعیت مناسبی نبوده و در بیرون از مرزهای ایران ملیت‌ها دارای قرابت‌ها و یکسان فرهنگی با قومیت‌های درون مرزی ایران‌اند. از سوی دیگر؛ نقش آفرینی نخبگان قومی ناراضی و خارج از دایره قدرت و شیطنت‌های خارجی در حمایت از حقوق فرهنگی و سیاسی قومیت‌های ایرانی با در نظر گرفتن فرصت‌سازی‌های جهانی - شدن می‌تواند شکاف‌های قومیتی و رویکردهای واگرایی را در کشور بوجود آورده و به بحران‌های خطرناک تبدیل نمایند. بنابراین با در نظر گرفتن همه جهات و نیز در نظر داشتن وضعیت ویژه اقوام در ایران، نیاز بیشتری به توجه به مقوله قومیت در ایران احساس می‌شود. در این راستا برای همگرایی و هم‌افزایی قومی و مذهبی در ایران اقدام و بکارگیری روش‌های موثر حقوقی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با توجه به ظرفیت‌های موجود در کشور از الزامات سیاستگذاری‌های قومی بوده است (محمدی ایرانلو، ۱۳۹۸: ۳۶). که در ذیل به موارد مهمی از این الزامات و بایسته‌های سیاستگذاری

قومی به تفصیل اشاره خواهد شد.

۴-۱. به کارگیری نخبگان قومی در مشاغل و مناصب بومی

یکی از مطالبات جدی و اعاده نشده اقوام ایرانی به ویژه اهل سنت درخواست استفاده از نیروها و مدیران بومی بوده و هست. توسعه یافتگی نسبی مناطق حاشیه‌ای و افزایش شمار تحصیل کردگان دانشگاهی از یک سو و ویژگی‌های خاص این مناطق از سوی دیگر، لزوم به کارگیری نیروها و مدیران بومی را بیش از پیش ضروری می‌ساخت. به همین خاطر یکی از سیاست‌های دولت در مناطق قوم نشین استفاده بیشتر از نیروهای مدیران بومی بوده که تا حدودی نیز محقق گردیده است. هم اینکه در مقایسه با دوره‌های قبلی در مناصبی مانند فرمانداری‌ها، شهرداری‌ها و سایر ادارات تعداد بیشتری از نخبگان بومی اشتغال دارند که البته ظرفیت بیشتری در این زمینه وجود دارد که به دلایل سیاسی محقق نگردیده است (حق پناه، ۱۳۹۴: ۸۶). از سوی دیگر تلاش برای تمرکززدایی پیچیدگی امور محلی و ویژگی‌هایی متمایز هر یک از استان‌ها از یک سو فربهی و بزرگی بیشتر از حد پیکره دولت کنار کارآمدی دولت را در انجام کارویژه‌های خود به همراه دارد تمرکززدایی و واگذاری بخشی از اختیارات دولت و واحدهای محلی را ضروری ساخته است. یکی از سیاست‌های کلان دولت در این مقطع که مرتبط با مسائل قومی نیز هست، تلاش برای کوچک‌سازی بدنه دولت و تفویض برخی اختیارات به استان‌ها بوده است. تقویت جایگاه استانداران و افزایش حیطه عمل و اقتدار آن‌ها در دستورکار صورت گرفته است (پورقوشچی و نادری، ۱۳۹۷: ۷۸).

۴-۲. تثبیت الگوی شهروندی به عنوان مبنای سیاست

می‌توان گفت با توجه به رابطه بین دولت و قومیت، الگوها و مدل‌های ارایه شده برای سیاست قومی در دو دسته جای می‌گیرند؛ دسته نخست سیاست‌هایی را شامل می‌شوند که دولت‌محور هستند و دسته دوم سیاست‌های جامعه‌محور هستند که تأکید بر تنوعات فرهنگی و قومی دارند. مدل‌های دسته اول از زاویه دید دولت به اقوام تنظیم می‌شود و نقش منافع سیاسی و دولتی در آن پررنگ‌تر است. در مقابل، سیاست‌های دسته دوم اقوام را در مرکز توجه خود قرار داده و ضمن رعایت منافع دولت سعی می‌کنند تا به قومیت و منافع قومی اهمیت دهند. با کنار هم قرار دادن این دو رویکرد از الگوی سیاست قومی مبتنی بر شهروندی به عنوان الگوی مطلوب و مناسب که قابلیت

جذب حداکثری را دارد نام برده شد. در این حالت سیاست قومی مبتنی بر رویکردی پلورالیستی^۱ در برخی از الگوهای پیشنهادی برای است که اتفاقاً ایران نظیر الگوی وحدت در کثرت و یا وحدت در تنوع دیده می‌شود که در آنها ملت مفهومی^۲ جامعه‌شناختی به خود می‌گیرد به جای اینکه صرفاً سیاسی باشد یا فرهنگی. معنای ملت از این منظر، حفظ استقلال نسبی خرده فرهنگ‌ها و حتی اصالت دادن به آن‌ها و در عین حال برقراری اتصال و ارتباط بین اقوام از طریق تقویت و برجسته کردن نقاط مشترک بین اقوام است (حاجیانی، ۱۳۸۰: ۱۲۸).

تثبیت الگوی شهروندی به عنوان مبنای سیاست قومی دایره شمولیت حقوق گسترده شده و کمتر کسی از حقوق مدنی و اجتماعی محروم بماند. به بیان دیگر در این نوع سیاست‌گذاری سیاست دربرگیرندگی بر سیاست بیم و طرد چیرگی دارد. در این حالت شهروندان فارغ از وابستگی‌های جنسی، مذهبی و قومی به مثابه شهروندانی یکسان و برابر دیده می‌شوند که حقوق و تکالیفی مشخص دارند. با اجرای موفق برنامه‌های مبتنی بر این الگو دیگر نایبستی هراسی از تمایزطلبی و فرسایش همبستگی ملی و وفاق اجتماعی داشت؛ زیرا در این وضعیت افراد و گروه‌های قومی خود را به عنوان شهروندانی می‌پندارند که منافع آن‌ها از طریق تعامل با دیگر اقوام و دولت بهتر حاصل می‌شود. به بیان تئوری بازی، در این حالت طرفین بازی یک استراتژی برد - برد را در دستور کار خود قرار می‌دهند. از سمت دیگر از آنجا که در این حالت وفاق مورد نظر حالتی گرم و تمایلی دارد از قوام و پایداری بیشتری نسبت به دیگر الگوهای سیاست قومی برخوردار است. بالطبع با اجرای این نوع از سیاست قومی، امید به افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی در روابط درون قومی، بین قومی و بین اقوام و دولت بالا خواهد رفت که سرآغازی برای برداشتن یکی از مشکلات تاریخی جامعه ایران یعنی شکاف بین مردم (شکاف بین قومی) و دولت و جامعه (شکاف دولت - ملت) خواهد بود (مالمیری، ۱۳۹۹: ۱۰۳).

شهروندی در فرایند جهانی شدن در معرض تحول مفهومی قرار می‌گیرد، چرا که جهانی شدن الزاماتی را در قالب منافع، حقوق، وظایف و تعهدات را برای بازیگران تعریف می‌کند که با حقوق و وظایف شهروندی تفاوت‌هایی دارد. مهمترین تفاوت آن این است که دیگر محدود در مرزهای بسته و متصلب ملی محصور نیست و همه ابناء بشر را دربرمی‌گیرد. فرایند ظهور چنین مفهومی از

شهروندی ارتباط تنگاتنگی با تحول معیارهای حقوق بشر دارد. جالب آنکه برهه زمانی رشد حقوق بشر با ادوار ظهور حقوق شهروندی تقریباً در یک مقطع انجام شده است. حقوق بشر مدرن یقیناً با حقوق شهروندی تفاوت‌هایی دارد، اما تشابهات آن‌ها بسیار است. این تشابهات تا حدود زیادی از ریشه آن‌ها که همان حقوق طبیعی است برآمده است. در واقع حقوق بشر حقوق شهروندی شکل بروز شده و بازتعریف شده حقوق طبیعی هستند. به واقع یکی از مهمترین مولفه‌ها در شکل‌دهی حقوق شهروندی جهانی، حقوق بشر بوده است. حقوق بشر طی فرایندهای رشد حقوق ابعاد گوناگونی پیدا کرد. طی نسل‌های سه گانه آن به قدری فربه شد که می‌توان گفت با وجود طولانی راه پیش رو، اما دستاوردهایی نیز به همراه داشته است که در جای خود قابل ملاحظه‌اند. همین وضعیت برآمده موجب شد تا شهروند جهانی نیز زمینه‌نضج بگیرد. چه اینکه حقوق بشر برای انسان‌ها فارغ از هرگونه تمایزی حقوق حیات، امنیت، هویت، مشارکت و غیره را در نظر گرفته است. چنین زمینه‌ای به همراه آنچه پیامد جهانی شدن خوانده می‌شود موجب شکل‌دهی چارچوب‌های حقوق و تکالیف برآمده از مفاهیم جهانی شده است (دیلیم صالحی، ۱۳۹۳: ۱۰۸)

۳-۴. تکثرگرایی فرهنگی

یکی از راهکارهای اساسی برای ممانعت از شکل‌گیری بحران‌های قومی، به‌کارگیری سیاست تکثرگرایی به خصوص تکثر فرهنگی در قبال اقوام است. احترام به آداب و رسوم اقوام و خرده فرهنگ‌ها، اصالت تنوع قومی و فرهنگی و توجه به اصل وحدت در عین کثرت، می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات کشور باشد. بدین معنا که وحدت و انسجام ملی کشور در صورت پذیرش اصل تنوع موجود، امکان‌پذیر است. در این شرایط، توازن تاریخی و طبیعی ملت همچنان باید حفظ شود و در طول زمان تداوم یابد (صالحی امیری، ۱۳۸۵). در میان هر ملتی در طول زمان، عواملی گوناگون، صرف‌نظر از فرهنگ مشترک ملی، همچون زبان، لهجه یا آداب و رسوم محلی ایجاد گشته که ممکن است مناطق دیگر نسبت به آن کمتر اطلاع داشته باشند. آداب و رسوم محلی متکثر و متنوع، مربوط به بخشی از روحیات ملی است و مجموعه‌ی همین‌ها است که سرمایه‌ی فرهنگی یک ملت را تشکیل می‌دهد. الزامات سیاست‌گذاری کلان و ملی ایجاب می‌کند که به امر جمع‌آوری، نشر و توسعه‌ی آداب و رسوم محلی در سطح کشور، توجه بیشتری شود و چه

بسا که برخی از همین‌ها بدین‌گونه عمومیت یافته و جزء سنن مشترک ملی قرار گیرد و از جنبه‌ی محلی خارج شود.

۱-۳-۴. توجه به زبان یا گویش محلی هر قوم

زبان به تنهایی در شکل‌دهی هویت ایرانی کافی نیست، و فقط یکی از عناصر هویت ملی ما را تشکیل می‌دهد. زبان در عین حال که عامل بسیار عمده و مهمی است، اما همراه با عناصر دیگر می‌تواند در شکل‌دهی هویت مذکور کارساز باشد؛ البته وجود و حضور آن در جامعه، که آمال ضروری است و یکی از عناصر اصلی انتقال‌دهنده فرهنگ و ارتباط است. در عصر جدید، تلاش عمده بر این بوده که زبان ملی گسترش یابد، اما به این نتیجه نیز رسیده‌اند که ضروری است زبان‌های محلی و گویش‌های مختلف، و در مواردی چند زبانی نیز پذیرفته شود؛ بنابراین هویت ملی را منحصر به یک زبان کردن در یک کشور چند زبانه، امر معقولی به نظر نمی‌رسد. جلال آل احمد در همین رابطه معتقد است: «با توجه به این که ملیت‌های چند زبانه در روزگار ما اندک نیستند و نیز با توجه به این که در ایجاد و وحدت ملی مردم یک ناحیه‌ی جغرافیایی، عوامل مذهب، تاریخ، آداب، شرایط اقلیت‌ها و بسیاری عوامل دیگر نیز مطرح است، به هر صورت، وحشتی نیست که اگر مردم آذربایجان را در به کار بردن ترکی آزاد و مختار بگذاریم» (آل احمد، ۱۳۷۵: ۱۳۳). برای این که عاملی فرهنگی همچون زبان به یک عنصر ناسازگار تبدیل نشود، نباید با آن برخوردی قهرآمیز کرد. از این‌رو بر طبق اصل ۱۵ قانون اساسی که قید شده است: «هم: زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.» بنابراین نه تنها زبان فارسی از سوی زبان‌های محلی، مورد تهدید قرار نگرفته بلکه لازم است برای تحکیم هر چه بیشتر وحدت ملی، ضمن استفاده از ظرفیت‌های زبان‌های محلی، عناصر دیگر هویت‌ساز ملی از جمله سرزمین، تاریخ ملی، تمدن ایرانی و میراث مشترک به نحو کامل‌تری از سوی دولت در جامعه برجسته گردد. پذیرفتن تکثر و تنوع فرهنگی، مذهبی، زبانی و قومی در چهارچوبی وسیع‌تر، می‌تواند دافع چالش‌های تنازع آمیز در کشور باشد، و به هویت ملی، غنای، برخورد خاصی بخشد، اما چنانچه به جای درک حقوق

اقلیت‌ها و قومی سلبی حاکم شود، آن وقت، مسلماً هویت ملی لطمه خواهد دید؛ چرا که به طور طبیعی، ملت، معنای اکمل را از دست می‌دهد و تداعی‌کننده‌ی حالتی از قوم‌گرایی، ناسیونالیسم افراطی یا سلطه‌ی یک ایدئولوژی مشخص را پیدا می‌کند.

۴-۴. راه‌حل‌های اقتصادی

یکی از اقدامات خوبی که دولت یازدهم برای جلوگیری از افزایش شکاف اقتصادی میان بخش‌های مختلف جغرافیایی کشور اتخاذ کرده، این است که از کل بودجه‌ی کشور، ۳٪ را به مناطق محروم اختصاص داده است. این رقم قبلاً ۲ درصد بود که دولت یازدهم آن را افزایش داد. این افزایش رقم، اقدام قابل توجهی است که می‌تواند در ایجاد توازن اقتصادی، نقش مهمی ایفا نماید. بنابراین به این نکته توجه نمود که ارتباط و پیوند ایران با اقتصاد جهانی و اقتصاد شبکه‌ای، نه تنها باعث رشد و شکوفایی اقتصاد ملی می‌شود، بلکه می‌تواند بر اقتصاد مناطق قومی نیز تأثیرگذار بوده و رشد و توسعه را در مناطق مزبور به همراه داشته باشد. در چنین وضعیتی، گروه‌های قومی خواهند توانست از مزایا و فرصت‌هایی که فرآیند جهانی‌شدن به خصوص در عرصه‌ی اقتصاد ایجاد می‌کند، بهره‌مند گردند (پورقوشچی و نادری، ۱۳۹۲: ۸۰).

۵. الگوی تکثرگرایی و وحدنگرا بر پایه ایرانیت - اسلامیت

از دیگر مواردی که در پژوهش‌های به آن توجه شده است و حائز اهمیت است این است که، امروزه سیاست یکپارچه‌سازی و ادغام که پارادایم غالب دوره پهلوی اول بود به طور قطع پاسخگوی نیازهای فرهنگی اقوام نخواهد بود. بنابراین می‌توان با تفویض امورات محلی با پیش‌زمینه فرهنگی براساس اسناد فرادستی و قانون اساسی، احترام به آداب و رسوم اقوام و خرده فرهنگ‌ها، توجه به تکثر فرهنگی در قبال اقوام و پیشبرد رویکرد وحدت در کثرت، اصالت تنوع قومی و فرهنگی را حفظ کرد. این راهکارها برای حفظ تمامیت ارضی از یکسو و توجه به نیازهای اقوام ازسوی دیگر می‌تواند یک الگوی مناسبی برای سیاستگذاری قومی تلقی شود. در نهایت باید گفت هدف کلی سیاستگذاری قومی، مدیریت بهینه قومیت‌ها در چارچوبی سیاسی است؛ به طوریکه اجتماع ملی پایدار و فراگیر با حفظ آداب و رسوم و سنت‌های هر قوم شکل بگیرد و تداوم یابد. اکثریت چشمگیر ایرانیان در دین اسلام، در آداب و رسوم فرهنگی از مشترکات تاریخی کهن برخوردار بوده

و در طول تاریخ همزیستی مسالمت‌آمیزی کنار هم داشته‌اند. از این رو اتخاذ رهیافت‌های مبتنی بر تکثر فرهنگی در سیاست‌گذاری‌های کلان می‌تواند بهترین و بیشترین بهره را عاید کشور کند و در شکل-دهی هویت ملی مؤثر واقع شود (محمودی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۷۳). عده‌ای بر این عقیده‌اند که جهانی شدن با افزایش آگاهی‌های اقوام به حقوق قانونی خود در تمامی ابعاد آن، سطح مطالبه‌گری آن‌ها را از حاکمیت به شدت بالا برده است، لذا اتخاذ سیاست‌ها و لحاظ الزامات و مقتضیات متناسب با تنوع قومیتی ایران، می‌تواند کشور را در قبال کشمکش‌ها و تنش‌های قومی ناشی از جهانی شدن، مصونیت بخشد. و با تأکید بر الگویی مبتنی بر روایت تعامل بین یکسان‌سازی و خاص‌گرایی از تأثیرات جهانی شدن، بر الگوی تکثرگرایی با محوریت قانون اساسی به مثابه راهکاری برای سیاست‌های قومی در ایران تأکید دارند (محمدی ایرانلو، ۱۳۹۹: ۸۱).

از آنجای که تکثرگرایی الگویی برای همگرایی و هم‌افزایی قومی و مذهبی در ایران است لذا برای تقویت همگرایی و هم‌افزایی قومی و مذهبی در ایران، ضرورت انجام سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان در چارچوب الگوی تنوع‌گرایی و تکثرگرایی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بیش از پیش احساس می‌شود (پورقوشچی و نادری، ۱۳۹۷: ۷۸). از این رو بهترین الگویی که جمهوری اسلامی در ارتباط با مسئله وحدت اقوام و همگرایی آن‌ها می‌تواند اتخاذ کند الگوی تکثرگرایی وحدت‌گرا ایرانی-اسلامیت است، همانطور که سید علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران می‌فرماید: نظام اسلامی مقوله‌ی «قومیت» و «مذهب» هیچ‌گاه مانع شناسایی و اعطای حقوق مسلم اقوام ایرانی نخواهد بود، بلکه «نظام جمهوری اسلامی محور قضاوتش، اسلام و ایرانی بودن است؛ (اسلام و ایرانیت). همه‌ی مسلمان‌ها و همه‌ی ایرانی‌ها در این نگاه، در محدوده‌ی جغرافیایی کشور دارای ارزش هستند.» بنابراین «ما وقتی که می‌خواهیم یک ایرانی را به عنوان یک ایرانی به حقوق حقه‌ی خودش برسانیم، از او سؤال نمی‌کنیم که مذهب و یا حتی دین تو چیست. نه، مواظن ماست و از حقوق همشهری‌گری با ما دارد استفاده می‌کند و در این مملکت زندگی می‌کند؛ چیزی باید بپردازد، کاری باید بکند و حقوقی هم دارد. حق امنیت، حق زندگی، حق کار، حق تلاش، حق تحصیل و فرهنگ دارد.» از سوی دیگر «امنیت، حق عمومی و متعلق به همه‌ی مردم در سرتاسر کشور است و اقوام مختلف، زبان‌های مختلف، عادات مختلف و

ادیان مختلف از آن بهره می‌برند». (کردستان ۲۴/۱۳۸۷). از نظر مقام معظم رهبری مهم‌ترین ویژگی‌های اقوام ایرانی را باید در مؤلفه‌های مشترک جست‌وجو نمود تا بتوان آن‌ها را در قالب یک هویت واحد به نام ملت پذیرفت. تاریخ، جغرافیا، سنت‌ها و فرهنگ مشترک میان اقوام ایرانی، از جمله محورهای اساسی وحدت‌آفرین میان این اقوام است (مهری ۱۳۹۳: ۲۵).

تاریخ و دغدغه‌های سیاسی مشترک در کنار سرزمین و حکومت مشترک باعث می‌شود تا این اقوام در برابر هر حمله‌ای به کشورشان به دفاع از آن برخیزند. رهبر معظم انقلاب با اشاره به مقاومت جانانه‌ی اقوام گوناگون کشورمان در سال‌های دفاع مقدس می‌فرماید: «نوبت دفاع مقدس هم که می‌رسد، جنگ هشت ساله‌ی ما، مردم همین گونه از همه جا شرکت می‌کنند؛ همه شهید می‌دهند؛ همه برای خدا وارد میدان می‌شوند و همه حول یک احساس و وظیفه‌ی مشترک، اقدام می‌کنند.» در واقع «در جنگ تحمیلی هشت ساله، از کسانی که می‌خواستند بروند از تمامیت ارضی و مرزهای اسلام در این کشور دفاع کنند، کسی نپرسید شما از کدام طایفه، کدام فرقه، کدام مذهب، کدام لهجه و کدام زبان هستید؟ همه رفتند؛ از همه جا رفتند. در ایران، خون‌ها درهم آمیخته شد و انقلاب به معنای حقیقی کلمه، یک اتحاد و یک الفت میان فرق و لهجه‌ها و طوایف مختلف به وجود آورد». (کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی ۱۳۷۵/۰۵/۱۳). بدین ترتیب با لحاظ کردن الزامات گفته شده و همچنین پیاده کردن الگوی تکثرگرای وحدت‌گرا بر پایه ایرانیت-اسلامیت به برقراری تعادل میان هویت ملی و هویت قومی اثر بخش خواهد بود.

بی‌تردید امواج جهانی شدن سپهر سیاسی و فرهنگی ایران را تحت تأثیر قرار داده است. قرائت‌ها و نظریات مختلف جهانی شدن اعم از خاص‌گرایی و عام‌گرایی به صورت مختلف در میان اقوام ایرانی نیز تأثیر گذاشته است. اگرچه قومیت در ایران هنوز شکل بسیج سیاسی تهدیدآمیز نگرفته است و مطالبات اقوام ایرانی مشروع، قانونی و در راستای قانون اساسی است و حس میهن-پرستی در اکثریت قومیت‌ها مشهود است. هر چند طی سال‌های اخیر اقدامات چشمگیری در جهت محرومیت‌زدایی مناطق پیرامونی ایران برداشته شده است؛ اما دهه‌ها محرومیت و بعضاً تبعیض ایجاد می‌کند که دولت با در پیش گرفتن رویکرد توسعه مضاعف مناطق پیرامونی، مانع از تبدیل دموکراتیزاسیون، تمرکززدایی، مساوات قانونی و عملی و همچنین کاهش شکاف توسعه در

سطح کشور را می‌طلبید (امیدی و رضایی، ۱۳۸۹: ۱۶۹). بنابراین باتوجه به تنوع قومیت‌ها در ایران و گرایش‌ها فکری مختلف مناسب‌ترین الگویی که برای برآورده کردن خواسته‌های مطرح شده اقوام و رفع چالش‌های و آسیب‌شناسی قومی می‌توان پیشنهاد کرد، الگوی تکثرگرایی وحدت‌گرا است که بتوان هم ایرانی بودن و هم اسلامی بودن یک ملت را در درون خودش پوشش دهد.

نتیجه‌گیری

باتوجه به مباحث گفته شده آثار زیادی از الگوی تکثرگرایی به عنوان مدلی کارآمد که هم ظرفیت یکسو نمودن مؤلفه‌های اساسی تشکیل جامعه‌ی مدنی و دستیابی به توسعه‌ی همه‌جانبه و متوازن را دارد، و هم اصالت این مدل در چارچوب نظریه‌های جهانی‌شدن مفروض است، و برای پاسخگویی به مسائل پیچیده‌ی قومی راهکارهایی در حوزه‌های مختلف حقوقی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای پاسخگویی به مسائل پیچیده و چندلایه‌ی حوزه‌ی اقوام و اقلیت‌های ایرانی ارائه کردند (پورقوشچی، نادری، ۱۳۹۳: ۸۷). از سوی دیگر، عده‌ای نیز بر این نظرند که مناسب‌ترین الگوی سیاستگذاری قومی جمهوری اسلامی، سیاست یکپارچه‌سازی با تأکید بر حفظ تنوع و تکثر فرهنگی، گزینش نیروی بومی در مناطق قوم‌نشین، تثبیت الگوی شهروندی به عنوان مبنای سیاست است. اما به نظر می‌رسد بهترین الگویی که می‌توان ارائه کرد تکثرگرایی وحدت‌گرا برپایه‌ی الگوی ایرانی اسلامی است که به این دلیل به آن وحدت‌گرا گفته می‌شود که به آن دسته ویژگی‌هایی که همه اقوام ایرانی دارا هستند و همچنین بر وجوهی تأکید دارد که بین آن‌ها فصل مشترک هستند. و هم در عین حال عواملی که مربوط به هر قومیتی و هرزبانی هستند، حفظ می‌شود. به این دلیل که مای (ایرانی) تاریخ مشترکی دارند که شامل وقایع و حوادثی همچون جنگ، آیین‌ها و مراسماتی مثل عید نوروز و غیره که به خاطر ایرانی‌تشان، خاطرات مشترکی بین ایرانیان هستند از این‌رو همین عوامل باعث حفظ وحدت و انسجام و همبستگی شان می‌شود. اما نکته حائز اهمیت این است که علاوه بر مباحث گفته شده مای ایرانی در عین حال از یکسری تفاوت‌های اساسی برخوردارند که می‌توان به مذهب (شیعه، سنی، ارمنی، کلیمی)، زبان (لر، کرد، بلوچ، فارس) و غیره اشاره کرد که نه تنها در تضاد با هویت ملی‌شان نیستند بلکه می‌توان آن‌ها را حفظ و حتی سبب ارتقای و شکوفایی فرهنگ و هویت ایرانی شود. لذا الگوی تکثرگرایی وحدت‌گرای برپایه ایرانی‌ت - اسلامیت، در یک

نگاه تلفیقی سبب کارآمدی هویت و فرهنگ ایرانی و همینطور باعث افزایش وفاق و یکپارچگی ملی خواهد شد. چون هردو بعد ایرانیت و اسلامیت را در بر می‌گیرد از این حیث، اگر هرکدام از این جنبه‌ها به هردلیلی به تنهایی در نظر گرفته شود و از جنبه دیگر غافل شوند عملاً این الگو با شکست مواجه خواهد شد. بدین ترتیب جمهوری اسلامی بایستی در اتخاذ سیاستگذاری متناسب با اقوام با توجه به پدیده‌های شدن و اثرات آن بر آگاهی‌بخشی به اقوام به الگوی تکثر گرایی و وحدت‌گرا و کلید واژه‌های مهم آن (ایرانیت-اسلامیت) توجه ویژه‌ای داشته باشد. در ادامه می‌توان به چند نکته مهم جهت مدیریت تنوع قومی در ایران پیشنهاد کرد:

- ۱- بالابردن حس تعلق و تعهد ملی در فرهنگ سیاسی جامعه‌ی ایرانی
- ۲- تلاش در جهت خلق و تولید اعتماد و برابری در میان خرده فرهنگ‌های موجود برای ارتقای رشد و تعالی فرهنگ ایرانی
- ۳- پیگیری جدی مطالبات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی اقوام و اقلیت‌ها به خصوص کردها و ترک‌ها
- ۴- تولید و تزریق حس اعتماد و احترام به اقوام و اقلیت‌ها در بین‌سازمان‌ها و نهادهای مختلف دولتی و غیر دولتی
- ۵- سیاست‌گذاری‌ها باید به گونه‌ای باشد که تمام اقوام ایران در تمام نقاط کشورمان این احساس را داشته باشند که می‌توانند مانند دیگر اقوام از تمام امکانات کشور استفاده کنند و درقبال انجام وظایفی که جامعه برای او تعیین کرده است متقابلاً از حقوق شهروندی برابر نیز بهره‌مند گردند؛
- ۶- تقویت میهن پرستی و میهن دوستی و اولویت‌عاملی به نام ایران و ایرانیت در برابر هر گونه قلمروخواهی و تمامیت خواهی می‌توان در فراهم کردن بستر پیشرفت نهادینه جامعه و در پی آن بهبود رفاه عمومی و توزیع عادلانه ثروت همگانی و ارتقای معیشتی مردم نقش اساسی داشته باشیم؛
- ۷- جلوگیری از بسط محرومیت در پست‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و...
- ۸- ارائه طرح مفهوم شهروندی به جای ما-دیگری-قومیت؛

منابع

- ابراهیمی، حسین؛ خلف‌زاده، رشید؛ علمی، محمد(۱۳۹۹)، « سیاست های قومی در منطقه شمال غرب کشور و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی (مطالعه موردی قوم کرد)»، دانش راهبردی، سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۱۹۰-۱۵۲.
- احمدی، حمید، (۱۳۷۸)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، از افسانه تا واقعیت، تهران: نشرنی.
- احمدی، حمید (۱۳۸۱)، « جهانی شدن، هویت قومی یا هویت ملی؟»، مطالعات ملی، ش ۱۱.
- آل احمد، جلال(۱۳۷۵)، در خدمت و خیانت روشنفکران، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- بیانات مقام معظم رهبری در کردستان ۲۴/۰۲/۱۳۸۸ .
- بیانات مقام معظم رهبری در آذربایجان غربی ۱۳/۰۴/۱۳۶۸.
- پورقوشچی، محمدرضا؛ محمود، نادری(۱۳۹۳)، «جهانی شدن و تکثرگرایی قومی در ایران، چالش‌ها و فرصت‌ها»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، سال پنجم، شمار ۱۴ (پیاپی ۱۷).
- ترابی‌نژاد، مهرداد (۱۳۸۴)، جهانی شدن و فرهنگ ملی، مجموعه مقالات هویت ملی و جهانی شدن، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- قربان پور، مهدی؛ مرشدی زاد، علی؛ ابطحی، مصطفی(۱۴۰۰)، «ارائه الگوی مطلوب سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه امام صادق(ع) و واحد علوم و تحقیقات)»، راهبرد، دوره ۳۰، شماره ۹۹، صص ۴۲۵-۳۹۲.
- جنیدی، محمود؛ ابوذر، کوثری(۱۳۹۲)، «چشم‌انداز رابطه قومیت‌ها و دولت در عصر جهانی شدن با تأکید بر شرایط کنونی ایران»، جستارهای سیاسی معاصر، دوره ۴، شماره ۹ - شماره پیاپی ۹، صص ۳۹-۲۵.
- حاجیان، ا (۱۳۸۰)، «الگوی سیاست قومی در ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴(۱۱-۱۲)، صص ۱۱۹-۱۳۸.
- حسابی، احمد (۱۳۹۶)، بررسی رابطه بین همبستگی ملی با گفتمان سیاست‌های قومیتی و تأثیر آن بر قومیت‌های مختلف در خوزستان (در دوره اصلاحات)، علوم اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۳۷.

حق‌پناه، جعفر (۱۳۹۴)، سیاستگذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران؛ چگونگی، فرایند و عوامل مؤثر بر تدوین، سیاستگذاری عمومی، دوره ۱، شماره ۲، تابستان.

خلیلی اردکانی، محمدعلی؛ معیدفر سعید، ساعی علی (۱۳۹۲)، «جهانی شدن و تاثیر آن بر هویت قومی و ملی: مطالعه کردهای سنندج»، مسائل اجتماعی ایران (دانشگاه خوارزمی)، دوره ۴، شماره ۱، صص ۹۱-۱۱۲.

دشتی، فرزانه و محمدرحیم عیوضی (۱۳۹۷)، عوامل مؤثر در ارتقاء همگرایی اقوام ایرانی در عصر جهانی شدن، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۹، زمستان.

ساداتی نژاد، سیدمهدی؛ علایی آورگانی، جواد (۱۳۹۷)، «اسلام و جهانی شدن، ترابط یا تباین بررسی دینی پدیده جهانی شدن بر اساس رهیافت گفتمان»، سیاست- مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۸، شماره ۲، صص ۳۹۲-۳۹۷.

سیاست گذاری قومی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری: تحلیل تماتیک شهرام نیا، مسعود (۱۳۹۲)، «جهانی شدن، دموکراسی و جنبش های دموکراتیک در ایران»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهاردهم، شماره ۳.

صالحی امیری (۱۳۸۵)، مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

عباسی، پیمان؛ مقصودی، مجتبی؛ نادرپور، بابک (۱۳۹۰)، آسیب‌شناسی سیاستگذاری‌های قومی و تاثیر آن بر امنیت ملی نظام ج.ا.ا با تاکید بر ایل قشقایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

عبداله، عبدالمطلب (۱۳۹۵)، بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت قومی و ملی بین دانشجویان کرد و آذری در دانشگاه‌های تهران، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۶ (شماره پیاپی ۴۶)، بهار.

فرهادی محلی، علی (۱۳۹۰)، «بررسی تحلیلی پدیده جهانی شدن با تمرکز بر حوزه فرهنگ»، فصلنامه راهبرد سیاستگذاری عمومی، دوره ۲، شماره ۵ - شماره پیاپی ۵، صص ۶۳-۹۶.

کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی ۱۳۷۵/۱۳/۰۵

- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، جهانی شدن هویت، فرهنگ، تهران، نشر نی.
- مارک ویلیامز (۱۳۷۹)، باز اندیشی در مفهوم حاکمیت: تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت دولت، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره یازدهم و دوازدهم، ص ۱۳۷۶.
- مالمیری، مهدی (۱۴۰۰)، «بنیان‌ها و الزامات نظری سیاست‌گذاری قومی، نوع‌شناسی سیاست قومی بر مبنای مدل قدرت دولت-ملت»، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، شماره ۳۷، ۱۰۷-۸۵.
- محمدی، ایروانلو علی؛ شاکری خوئی، احسان؛ ظهیری، صمد (۱۳۹۹)، «جهانی شدن و مسئله قومیت‌ها در ایران (دوره جمهوری اسلامی ایران)»، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۱، شماره ۴۰.
- مقصودی، مجتبی؛ دربندی، انوشه (۱۳۹۲)، «بررسی سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی ایران در قبال کردها در دولت اصلاحات (۲۰۰۶-۱۹۹۸)»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره چهارم، صص ۱۷۷-۱۵۵.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۲)، قومیت‌ها و نقش آنان در تحولات سیاسی سلطنت محمدرضا پهلوی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مهری، کریم؛ یزدخواستی، بهجت؛ پناهی، محمدحسین (۱۳۹۳)، «سیاست‌گذاری قومی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری: تحلیل تماتیک»، مطالعات قدرت نرم، شماره ۱۰.
- هوشنگی، حمید (۱۳۹۶): سیاست‌گذاری عادلانه مدیریت تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران، کاووس سیدامامی، محمدحسن خانی؛ علی کریمی مله، پایان‌نامه دکتری تخصصی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی.
- دیلم صالحی، بهروز (۱۳۹۳)، «تحول مفهوم شهروندی در فرایند جهانی شدن»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال دهم، شماره ۲۹.